

نگاهی بر تاریخ هنر خوشنویسی در سالروز خوشنویس شهیر؛ ابوالحسن علی بن هلال بغدادی (ابن بواب)

2 اسفند 1395

در این نوشتار سعی بر ارائه شرح کامل سیر خوشنویسی نیست، بلکه ادای احترامی به ابن بواب و هنرمندان این عرصه است چرا که در این گفتار نه تمام تاریخ خوشنویسی توانایی گنجانده شدن را دارد نه مدارک و مستندات موجود توانایی شرح جزئیات این تاریخ را خواهند داشت. ازین رو با رعایت ایجاز، این مقال را در سه بخش به عنوان کاتالوگی مختصر از تاریخ خوشنویسی در اختیار خوانندگان آرتیبیشن قرار می‌دهیم.



در این نوشتار سعی بر ارائه شرح کامل سیر خوشنویسی نیست، بلکه ادای احترامی به ابن بواب و هنرمندان این عرصه است چرا که در این گفتار نه تمام تاریخ خوشنویسی توانایی گنجانده شدن را دارد نه مدارک و مستندات موجود توانایی شرح جزئیات این تاریخ را خواهند داشت. ازین رو با رعایت ایجاز، این مقال را در سه بخش به عنوان کاتالوگی مختصر از تاریخ خوشنویسی در اختیار خوانندگان آرتیبیشن قرار می‌دهیم:

اصول نوشتاری متداول کنونی در ایران برگرفته از الفبای عربی است و به ورود اسلام به این سرزمین بر می‌گردد. خط عربی نیز که برگرفته از خطوط سریانی و نبطی است که به ترتیب در نواحی حوران در سوریه و شهر حیره در بین النهرین رواج یافت. از خطوط نبطی خط نسخ عربی گرفته شد و از خطوط سریانی، خط کوفی که حیری هم نامیده می‌شود. بعد از اسلام، خط نسخ عربی جهت مکاتبات و اسناد و مدارک و خط کوفی برای نگارش قرآن و به دنبال آن برای نوشتن بر روی سنگ‌ها و سکه‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

اعراب معمولاً چهار گونه خط پیش از اسلام را متمایز می‌کردند: الحیری (از حیره)، الانباری (از انبار)، المکی (از مکه) و المدنی (از مدینه). تاریخ خطاطی خط عربی به زمان ابن مقفع بر می‌گردد (قرن 3 ق. / 9 م.) و زوال تدریجی آن هم با رواج صنعت چاپ کم‌کم نمایان شد. در واقع زبان فارسی، زبان سواحیلی و اردو هم با حروف عربی نوشته می‌شوند و زبان ترکی نیز پیش از سقوط امپراتوری عثمانی و اصطلاحات کمال آتاتورک به خط عربی نوشته می‌شد.



خط کوفی از آغاز اسلام خط غالب در فضای معنوی بود و با شیوه خطاطی رونویسی می‌شد، ابن ندیم (متوفای 93ق.) / 999م.) نویسنده مشهور کتاب الفهرست اولین کسی بود که از لغت کوفی استفاده می‌کرد و آن را از خط حیری برگرفت. البته این خط نمی‌توانسته در کوفه شکل گرفته باشد چرا که این شهر در 71ق./836م. بنا شده و ابن ندیم در 93 ق. فوت شده اما گمان می‌رود این شهر در رشد و تعالی آن کمک شایانی کرده باشد. این خط فاقد علائم آوا نویسی و بسیار سخت‌خوان بود، اما به تدریج با ترکیب خط کوفی اولیه با نسخ که مبدع آن ابن مقله بود خط کوفی اریب به وجود آمد و این خط فراگیر شد چرا که هم انعطاف پذیر بود و هم ساختار هندسی آن مبتنی بر عناصر زاویه‌دار و بر هر فضا و هر ماده‌ای از پارچه تا تزیینات بناها قابل انطباق بود (خطیبی، 1393: 84).



خط نسخ نیز که از دو خط قبطی و سریانی اخذ شد توسط ابن مقله به اوج خود رسید. گرچه بعضی معتقدند مخترع این خط، خود ابن مقله بود اما آنچه که از سایر منابع می‌آید خط نسخ از قرن دوم هجری به وجود آمده بود ولی تا اواخر قرن سوم هجری چندان متداول نبود. برخی ادعا می‌کنند لغت "نسخ" توسط ابن مقله ابداع شد که با تبعیت از سبک خط انحنای دار، نظام هندسی را بنیان نهاده بود و الهام‌بخش سایر مکاتب شد، او آن را بر اساس هندسه اقلیدسی بنا نهاد. نسخ اساسا خطی شکسته است. در دوره با شکوه دودمان عباسی برای رونویسی متونی که از زبان‌های سریانی، یونانی، ایرانی یا هندی ترجمه شده بود استفاده می‌شد. این خط الهام بخش خط ثلث و ریحان شد که در بخش‌های بعدی به چگونگی رواج و ابداع آن‌ها خواهیم پرداخت. ابن مقله بر اساس روایات سه بار وزیر شد، سه بار جهاد رفت و سه بار بدنش دفن شد: بار اول در زندانی که در آن دفن شد، بار دوم در منزلش و بار سوم در آرامگاهش. و یک بار هم بر طبق دستور خلیفه راضی بالله (بیستمین خلیف عباسی) دستور داده شد دستش را با قلمش قطع کنند. قطع دست او مدرک زندگی سیاسی اوست که واکنش به آن منجر به قطعی دست وی شد. (خطیبی، 1384: 143) به همین دلیل پدرش او را "پسر سفیدی چشم"، "پسر حقه چشم" نامید. او با شکست ناپذیری قلم را به دست چپ گرفت و به خطاطی ادامه داد. بار دوم زبان او قطع شد و در نهایت به حبس ابد محکوم و در زندان مرد و بدن او دوبار پس از آن انتقال داده شد. از آثار ابن مقله چیزی باقی نمانده است آنچه از خطوط کهن باقی مانده از شاگرد و منشی او ابن یوایب باقی است.



این استفاده از خطوط عربی برگرفته از اواخر دوره امویان و عباسیان شکل گرفت و الفبای عربی در مصر، شمال آفریقا و ایران رواج پیدا کرد و سبک‌های تازه نگارش از خط نسخ و کوفی گسترش یافت. در حوالی قرن 3 ق. / 9 م. در خدمت خلیفه المقتدر و برادرش، ابو عبدالله حسن بود که جلو گسترش آن را گرفت. آن‌ها چهارده شیوه را برگزیدند، با رواج استفاده از قلم و مشخص نمودن اشکال هندسی حروف و گذاشتن دوازده قانون ضروری **خوشنویسی**، نظم و ترتیب خاصی برای این هنر شکل دادند. (یارشاطر، 1384: 22-23) مهمترین و عمده ترین اجزای کار استفاده از خطوط صاف (مسطح) و دوایر (دور) بود.

اما قواعد **خوشنویسی** ابن مقله به دو موضوع می‌پردازد:

الف: ظاهر زیبا و حسن تشکیل: که با اندازه، گردی، راستی، بلندی و کوتاهی حروف و نیز لاغری و ضخامت خط، افقی و عمودی و مایل بودن آن مرتبط است.

ب: صفحه‌آرایی مناسب (حسن وضع) است. که اتصال حروف متصل، موقعیت‌های جدا از هم حروف، فاصله بین کلمات (طرز مجاورت)، فواصل بین خطوط (نظام)، کشیدگی (مدّ) جهت تساوی سطور و مانند این‌ها را در بر می‌گیرد.

رهنمودهای کلی ابن مقله، بر پایه چهار اصل از او ارائه شده است:

-رعایت اصول

-تناسب (نسبت)

-ترکیب

-نشاندن آنها بر روی خط کرسی

2- رعایت اصول: برای تک تک حروف الفبا، درجات مشخصی از قوت و ضعف و استفاده از کل قلمو با فشار روی کاغذ در حین نوشتن است که معمولاً بین کشیده و قسمت میانی دواپر و قسمت میانی حروف «ل، ق، ح، ی» و پایان بخشیدن به بخشی از حروف مثل «د، ف، ق» مورد نظر است.

منظور از ضعف استفاده از گوشه یا بخشی از قلم در حین نوشتن است و معمولاً شروع کلمات و قسمت های پایانی برخی از حروف و حروف دیگری که زیبایی ظرافت در آنان هست دیده می‌شود.

2- تناسب (نسبت): تناسب به معنای شکل دادن یکسان به حروف، خواه جدا از هم و خواه متصل به هم می‌باشد، به طوری که کل متن، از اندازه‌ای متناسب برخوردار باشد.

3- ادغام (ترکیب): از مهمترین عناصر خوشنویسی است و شامل ترتیب حروف و کلمات (ترکیب جزئی) و جملات و خطوط (ترکیب کلی)، برای رسیدن به تقارن و توازنی نسبی میان حروف و کلمات و در نهایت تشکیل صفحه ای تشکیل می‌باشد.

4- جایگاه کلمات (خط کرسی): اشاره دارد به محل قرار گرفتن حروف و کلمات هر خط یا مصرع نسبت به یکدیگر و نسبت به خط کرسی که خود به 5 قسمت تقسیم می‌شود.

اما بعد از این مقله، خوشنویسان دیگر، رفته رفته تغییراتی در این اصول ایجاد کردند و آنها را در 8 تا 12 قاعده درآوردند. ابوالحسن علی بن هلال بغدادی (413ق. / 1022-1023 م.) بعد از این مقله یک رشته قواعد جدید را به آن 12 قانون سنتی افزود و در این میان توجه خاصی به قلم تراشی و مرکب برداری داشت.



وی اصطلاحاتی در خط ثلث، نسخ و رقاع به وجود آورد و تمرین اندازه‌گیری حروف را با نقطه‌گذاری، جهت رسیدن به اندازه استاندارد کلمات از لحاظ ارتفاع و کشیدگی (مثلاً الف، لام) یا اندازه دواپر مثل قاف و نون ابداع کرد که امروزه برای اجتناب از پراکندگی حواس هنرجو از نقطه‌گذاری زیاد پرهیز می‌کنند. اما اغلب نیم نقطه‌ها را برای دقت و ظرافت بیشتر در کار مورد استفاده قرار می‌دهند.

خوشنویس دیگری که بعد از ابن بواب به موفقیت‌های بسیاری دست یافت، یاقوت مستعصمی بود؛ کسی که به اصلاح 6 گونه خط، معروف به سته یاقوتی (ثلث، نسخ، ریحان، توفیق، رقاع و محقق) پرداخت که در مقال بعد به تشریح آنها خواهیم پرداخت.

منابع:

- خطیبی، عبدالکبیر، سچلماسی، محمد(1393). شاهکارهای خطاطی اسلامی، ترجمه مژگان جایز، محمد رضا عبدالعلی، تهران، فرهنگسرای میردشتی
- یار شاطر، احسان و گروه نویسندگان(1384). خوشنویسی، از سری مقالات ایرانیکا، تهران، چاپخانه سپهر